





# درباره چند ارزیابی نادرست و بیابانه

**نامه «مردم» هر هفته روز پنجشنبه یکی از مقالات تحلیلی منتشره در ماهنامه «دنیای» نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران را به چاپ میرساند.**

**امروز سر مقاله شماره چهارم سال ۱۳۰۹ را زیر عنوان «درباره چند ارزیابی نادرست و بیابانه‌های خطرناک آن برای انقلاب ایران» نوشته رفیق نورالدین کیانوری - دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - میخوانید. شایان تذکر است که این مقاله در هفته اول تیرماه نگاشته شده است.**

**انقلاب شکوهند میهن ما در نبردی طولانی توانست رژیم استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم راسنئون کند؛ ضربه‌های کمرشکنی بر پایه های اجتماعی این رژیم وارد سازد و شرایط را برای برپا ساختن حاکمیت خلق فراهم آورد. اکنون نزدیک به یکسال ونیم از این پیروزی تاریخی می‌گذرد و همه مردم ایران شاهد آن هستند که امر ریشه کن ساختن رژیم سرنگون شده و طبیعتا کار ساختن جامعه نوین به کندی پیش می‌رود، این روندی هر روز شدت می‌یابد و پیامدهای ناگوار و دردناک این پدیده را مردم بیشتر و بیشتر احساس می‌کنند.**

**بگفته‌های امام خمینی، رهبر انقلاب ایران در هشتم تیرماه ۱۳۰۹ بازتاب پررور این واقعیت بود.**

تجدیدی نباید داشت که ادامه چنین وضعی خطرات عظیمی را برای انقلاب در برآورد. هم‌اکنون دیده می‌شود که شدت انقلاب از بیوضی دوران اولیه پس از شکست پیروز آمده صفوف نیروهای اصلی خود یعنی ساواکی‌ها و افسران سرسپرده رژیم طاقتوری و باقیمانده‌گان و بازمانده‌گان سرمایه‌داران و بزرگسالان وابسته را به موازات نیروهای بالقوه خود یعنی اوباش و بیابانگیران و مروجین مواد مخدر و فحشاء و فحش و جنایت و سایر فارتگران اجتماعی سازمان می‌دهد و با تبلیغات گسترده‌ای از درون پیروز کشور یاسررف مبدعا میلیون پول برای وارد آوردن ضربه در لحظه مناسب آماده می‌سازد.

توده‌های میلیونی زحمتکش شهر و روستا هم آن‌ها که با نبرد دلیرانه و جانفشانی خود با قربانی‌دادن بیش از شصت هزار از برادران و فرزندان خود انقلاب را به پیروزی رساندند یعنی همه آن‌ها که بنا به گفته امام خمینی با مبارزه تاریخی خود دولتمردان کنونی را به مقام حاکمیت کشور رساندند هر روز ناراضی‌تر و از انقلاب ناامیدتر می‌شوند.

دشمنان انقلاب ایران یعنی امپریالیست‌ها به سرکردگی آمریکا داروخته رژیم طاقتور و به طوری عمده طبقات اجتماعی کلان سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان باهماری می‌کوشند که از این ناخشنودی روزافزون مردم به سود هدف‌های خود استقرار مجدد رژیم طاقتوری و وابسته طاقتوری یعنی رژیم که در محتوای خود شبیه رژیم طاقتوری باشد مانند رژیم شاهنشاهی در پاکستان و یا سادات در مصر بهره‌گیری کنند. این است واقیعی که غیر قابل انکار است. دوجود این واقعیت یعنی نیست. بحث در این باره هم نمی‌تواند باشد که مسئول این وضع چیست؟ مسلما مسئول این وضع شورای انقلاب و نهادهای انقلابی هستند که از فرای پیروزی انقلاب قدرت حاکمه را در کشور در دست داشته‌اند و پیشینیان کم نظیر اکثریت مردم و رهبر انقلاب امام خمینی بلامنازع پیروزان بوده‌اند در گذشتار امام خمینی (روز هفتم تیرماه) هم‌روی این نکته یعنی مسئولیت مستقیم شورای انقلاب و در ماه‌های اخیر رئیس جمهور درباره همه کمبودها تاکید شده است و حزب توده ایران این ارزیابی امام را در تمام ابداش تایید می‌کند.

با پذیرش این دو واقعیت یعنی وجود کمبودهای غیر قابل افاضش در عمل، و مسئولیت حاکمیت انقلاب در این کمبودها این پرسش پیش می‌آید که چرا چنین وضعی در حاکمیت کنونی انقلاب ایران حکمفرما است؟ ریشه واقعی این پدیده در چیست؟ به نظر ما این پدیده دردناک ریشه‌های گوناگونی دارد و در میان این ریشه‌ها دو ریشه دارای نقش تعیین کننده است. یکی ریشه یعنی که همان موضع‌گیری طبقاتی اعضاء دولت حاکمیت کنونی است و دیگری عامل ذهنی یعنی شناخت نادرست و ارزیابی‌های نادرست از واقعیت‌های اجتماعی کشور و جهان.

در دستگاه حاکمیت ایران پس از انقلاب به طوری عمده سه بخش شرکت و نقش تعیین کننده داشته‌اند: بخش روحانیت مبارز درون ایران، بخش لیبرال‌های ایران و بخش یوشنفران از آمریکا و اروپای غربی رسیده. از لحاظ وابستگی‌های طبقاتی بخش دوم و سوم به طور عمده وابسته به بورژوازی لیبرال و اشرار مرگه بین‌المللی جامعه هستند. در حالی که روحانیت مبارز و نیروهای پیرو آن که در کمیته‌ها و سپاه پاسداران و سایر نهادها مشغول شده‌اند از طبق وسیع‌تری به وجود آمده است که نمایندگان بورژوازی لیبرال در یک سوی این طبق و مبارزان خلقی و ضد سرمایه‌داری در سمت دیگر آن و گروه‌های وابسته به اشرار گوناگون بین‌المللی جامعه در میان این دو گروه قرار می‌گیرند.

در دوران حکومت دوگانه دولت مهندس بازرگان که از نمایندگان بخش دوم و سوم ترکیب یافته بود قدرت بطور عمده در دست لیبرال‌ها بود و حتی جاسوسی مانند امیرانظام و عناصر وابسته مانند ایزدی، اردلان، مولوی، تریه، مقدم، مراد و غیره در میان آن‌ها جای گرفته بودند. دوشورای انقلاب که ترکیبی از هر سه بخش بود به طوری عمده نمایندگان بخش اول یعنی روحانیت مبارز نقش تعیین کننده را در دست داشتند.

به این ترتیب در دوران دستگاه حاکمیت انقلابی که اکنون پیکسال و نیم است تمام قدرت را در دست دارد و بر همه نهادهای انقلاب و دولت سرپرستی می‌کند و مسئول تعیین سیاست‌ها و وضع قوانین برای ریشه کن ساختن نظام سرنگون شده و به پاساخن نظام نوین است. از همان آغاز در همه‌ترین مسائل مربوط به سر نوشت انقلاب اختلافات و تناقضات شدید وجود داشته است. این اختلافات و تناقضات به هیچ وجه مربوط به مسائل فرعی و دوجده دوم نبوده بلکه اساسی‌ترین جهات سیاست داخلی و خارجی کشور و انقلاب را دربر می‌گرفته است. موضع‌گیری سازشکارانه و تسلیم طلبانه دولت کام‌به‌کام در برابر امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم که منجر به دوام سرمایه‌داران فراری و ملاقات با برزیل برای تدارک یک همکاری «نورین» بین ایران و آمریکا گردید، با موضع‌گیری جناح خلقی حاکمیت که به پیروی از خط امام خمینی خواستار ریشه کن ساختن هرگونه وابستگی به امپریالیسم و به ویژه به امپریالیسم آمریکا و محدود ساختن فارتگری سرمایه‌داران و بزرگسالان است، تناقض و برخورد شدید دولت داشته است. این تناقض و برخورد هنوز به شدت سابق وجود دارد و مهم ترین عامل فلج کننده همه نهادهای انقلاب است. باوجودی که با برکناری دولت مهندس بازرگان، انتظار می‌رفت که این تضاد به طوری جدی به سود سست‌گیری خلقی و انقلابی حل شود و با در این راه پیش‌روی زندگی ماه‌های اخیر نشان دهنده این واقعیت است که بورژوازی لیبرال هنوز مواضع بسیار مستحکم را در دستگاه اداری دولت و در هیئت دولت قائل و رئیس دولت در دست دارد و به هیچ قیمت حاضر نیست بدون مقاومت سرسختانه این مواضع را از دست بدهد. ریشه یعنی فلج بودن دستگاه دولتی در همین جا است. هنوز انقلاب بدون این دستگاه رسوخ نکرده است. بخش عمده این دستگاه طاقتوری است و آن چه که تغییر پی پیدا کرده به دست لیبرال‌ها افتاده است. انقلاب نتوانسته است ماشین دولتی ارتجاعی و طاقتوری را بشکند. تا هنگامی که دستگاه اجرائی

و قانون‌گذاری و قضایی کشور در عمق و بهینا به معنای واقعی خصوصیات طاقتوری خود و از دست ندهد و خصوصیات انقلابی به خود نگردد این فلج مراد و علاج‌پذیر نیست. این است عامل عمده عامل تعیین کننده و عامل مبین: تأثیر فلج کننده بورژوازی لیبرال ایران. بر این عامل تنها در یک نبرد طبقاتی با تکیه به نیروی محرومان جامعه و در درجه اول کارگران و دهقانان و سایر زحمتکش شهر و روستا می‌توان چیره شد. اگر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در این نبرد پیروز نشود سرمایه‌داری خود زانیتیت نخواهد کرد و با تثبیت خود وابستگی به دنیای سرمایه‌داری یعنی دنیای امپریالیستی و در بهره حمره خواهد آورد و نومی از «استقلال» شیاه‌الحقی که هم‌اکنون مورد ستایش وزیر خارجه انقلاب اسلامی ایران است، با همه زنجیرهای اسارت و بردگی‌اش به مردم ایران تحمیل خواهد کرد.

این که چرا بورژوازی لیبرال ایران نتوانسته است چنین جنبش عظیم انقلابی خلقی را فلج کند و گسترش آن را بر مگر کرده و کنسازده محصول مجموعه شرایط فعلی انقلاب ایران است که در بحث‌های مکرر ما مورد تجربه و تحلیل قرار گرفته است. بدون شک وجود تفرقه و دشمنی در میان نیروهای سیاسی خلقی که به طور عمده محصول پایین بودن تجربه سیاسی مبارزان راستین و نقش خرابکارانه نفاق‌انگاران است، تأثیر زیادی در پیش‌این وضع یعنی تحکیم موضع لیبرال‌ها داشته است. این عامل ذهنی در دو سطح وجود دارد و اثرات منفی بسیار دردآوری از خود به بار آورده و هر روز بیشتر به بار می‌آورد. یکی در سطح دون خلق، در میان صفوف مبارزان انقلابی و توده های محروم و دیگری در سطح حاکمیت انقلاب، در سطح آن بخشی از حاکمیت که به طور طبیعی در مواضع خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گرفته و خواستار تثبیت همه جانبه استقلال ملی و دگرگونی‌های اجتماعی به سود محرومان جامعه است.

درباره نقش مغرب و زبان‌بختی شناخت‌های نادرست و موضع‌گیری غلط‌نالی از آن از طرف گروه‌های مبارز، ما تاکنون به کرات بحث کرده‌ایم. در این مقاله تنها به ارزیابی‌های نادرست جناح خلقی و انقلابی در حاکمیت کنونی ایران می‌پردازیم. به نظر ما این ارزیابی‌های نادرست در همه زمینه‌ها دیده می‌شود. به دو سیاست داخلی، یعنی در زمینه راه‌های ضروری برای ریشه کن ساختن حاکمیت رژیم طاقتوری و ایجاد نظام خلقی، هم در زمینه اقتصادی برای پایان بخشیدن به اقتصاد وابسته و برپا ساختن اقتصاد مستقل و خلقی و هم در مبارزه علیه امپریالیسم در ایران، دو منطقه و در سراسر جهان. ما می‌گوییم عمده‌ترین این ارزیابی‌های نادرست و بیابانه‌های خطرناک آن را برای انقلاب ایران مورد بررسی قرار دهیم.

## در زمینه سیاست داخلی

### ۱- درباره مبارزه برای ریشه کن ساختن ستون پنجم رژیم طاقتور

رژیم وابسته استبداد سلطنتی در هم شکست و گردانندگان و کارگزاران آن بخشی فراری و بخشی مجازات شدند و بخش دیگر دست نغزیده در ایران به زندگی خود ادامه دادند. درباره بخشی که در ایران باقی ماند، به مدار یک برخورد انقلابی و ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلابی این ارزیابی حاکم شد که گویا با گشت و افشاشی با ازشاد و برزگرایی می‌توان جانوران سرسپرده به طاقتور را که یک عمر در نوکری و عبودیت از یک سو و جنایت و فزندی و رشوه‌گیری از سوی دیگر زندگی کرده‌اند به عناصر هواراد و وفادار و انقلاب تبدیل کرد. فراموش شد که «تربیت ناهل را چون گردان بر کنید است» فراموش شد که «قرم بر لنگ نیز ندان» - مشکاری بود بر وارد مردم. در نتیجه این ارزیابی نادرست از معرکی ساواکی‌ها خودداری شد، برای ذرها هزار ساواکی که اکنون ارتش مخفی ضد انقلاب را تشکیل می‌دهند غو عمومی دست‌وپا شده ارتش و انفارمری و پلیس به طوری عمده در دست همان افسران طاقتور زده و سرسپرده باقی گذاشته شد و به ویژه در ادارات دولتی تنها به برکنار کردن گروهی از بدنام‌ترین و متفجع‌ترین دست نشانگان رژیم طاقتوری اکتفا شد. ستارگان و وزیران و نمایندگان مجلس‌های طاقتوری که اکثریت مطلقشان در تمام جنایات دوران ۳۰ ساله حکومت خاندان جنایت و فارتگری شریک و مجری بوده‌اند مورد غم قرار گرفتند و آزاد شدند و آزادانه فعالیت ضد انقلابی را در پیش گرفتند.

امروز مقامات حاکمه خود احساس می‌کنند که ضد انقلاب هر روز هاتر و جسورتر و متجاوزتر می‌شود. مگر این ضد انقلاب که سازمان می‌یابد فیسراز همان ساواکی‌ها، افسران سرسپرده، بازمانده‌گان فراری‌ها و جنایت‌کاران رژیم طاقتور هستند؟ هرگز و این ضد انقلاب که کشف می‌شود همچونی از همین عناصر را نشان می‌دهد. حتی خبرهایی منتشر می‌شود دایر بر این که صدها از همین عناصر سرسپرده و گرد های در پوست و بیش رفته در بهترین پست‌های تهمذاری نظام انقلابی به کار گرفته شده‌اند. این که لیبرال‌ها برای چنین سیاستی سینه چساک دهند «تسجج‌آور نیست آن‌ها حیوانات چیزی جز رژیم و وابسته سلطنتی» منتهای بدون «استبدادش» نمی‌خواهند. ولی صیچ ما از عناصر ضد امپریالیست و خلقی است که از چنین سیاستی پشتیبانی نمی‌نمایند.

رویدادهای ماه‌های اخیر، توطئه‌هایی که در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طیس قرار داشته، توطئه گروه‌های ضد انقلابی در سطوح گوناگون ارتش که گوشه‌هایی از آن در کره‌ستان و در ارتباط با حادثه طیس برلا شده است، گسترش فعالیت‌های فارتگری و همکارگری، آتش زدن خرمن‌ها، توسعه تبلیغات دامنه‌دار ضد انقلابی در میان مردم همه نشان دهنده این واقعیت هستند که این ارزیابی غلطیست از ماهیت نیرو های ضد انقلابی و امکانات آن‌ها چگونه می‌تواند پیامدهای خطرناک برای انقلاب باشد. هوارادان راستین و همشیر انقلاب ایران هشدار می‌دهند و هشدار می‌دهند و امیدوارند که این هشدارها به موازات واقعیت، مسئولین جمهوری اسلامی را متوجه ذرها و پستی خطری که انقلاب را تهدید می‌کند به نماید.

### ۲- درباره شناخت نیروهای هواراد انقلاب و دشمنان آن

ارزیابی نادرست روحانیت مبارز خلقی از نیروهای هواراد انقلاب و دشمنان آن از شناخت نادرست ماهیت اجتماعی - سیاسی این انقلاب ریشه می‌گیرد. دوست است که انقلاب مبین ما به طوری عمده در چهار چوب اسلام انقلابی کام‌ام خمینی نماینده آن است انجام گرفته ولی تردیدی هم نمی‌توان داشت که این انقلاب در همین چهارچوب عمده هم دارای مستواری بدون چون و چرای سیاسی و اجتماعی بوده است. بررسی واقعیت‌ها و غیر مفرضانه در این باره ما را به این نتیجه می‌رساند که: نخست، که هم‌اکنون کسانی که به اسلام به عنوان دین عقیده دارند با این تعبیر امام خمینی از ابعاد اجتماعی - انسانی اسلام موافقت ندارند. ما مسلمانان «متمدن» می‌شماریم و ما می‌شناسیم که به بعد‌های انقلاب ایران اعتقاد نداشته و امروز هم اعتقاد ندارند. اینان از اسلام چیز دیگری می‌فهمند. آن‌ها بازر بازار می‌کنند که کم سفر حج رفته و هرگز فرانس مذهبی را فراموش نمی‌کنند و حتی از ۱۰۰ میلیون تومان درآمد سالیانه‌اش حاضر است چند میلیون (البته بسیار نادرست) به عنوان «خمس» و چند میلیون به عنوان «زکوة» بپردازد، اسلام را غیر از اسلام آن پاسدارانی می‌فهمد که از مبارزه دهقانان بی‌زمین برای بازگرفتن حق غارت شده خودشان از بزرگسالان پشتیبانی می‌کنند. آن حاج‌آقای که به بقول امام خمینی اثر مهربان‌تر پیشانی‌ش کیره گذاشته است با انقلاب ایران دوست به ملت این که این انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است و باغارت بی‌بندوبار سرمایه‌داران در ستیزاست مخالفت می‌ورزد، از توطئه حزب جمهوری خلق مسلمان پشتیبانی می‌کند، برای تحریک و توطئه و همکارگری پول می‌دهد، و هرشب هنگام «نماز» از خداوند استمداد شکست انقلاب ایران را می‌نماید.

ولی در مقابل هستند مبدعا هزارمبارز توده‌ای و انقلابی که حاضرند برای هدف‌های

انقلاب ایران جان خود را فدا کنند و همه توانایی و استعداد خود را در اختیار بگذارند. کنار گذاشتن این نیروی عظیم که بدون تردید در حال رشد است از صفوف مبارزان برای تهمذاری، تثبیت و تحکیم و گسترش انقلابی است که سود انقلاب نیست.

یکی از مهم‌ترین کوشش‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران در یادداشت برزیلکی نید شده بود ایجاد اختلاف و سوء ظن بین نیروهای هواراد انقلاب ایران است. اگر ما می‌بینیم که برخی از «میلین» انقلاب اسلامی در مجامع عمومی و در سرزبان‌ها کار دشمنی با نیروهای مترقی را به جای رسانده‌اند که سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات را به این دلیل که از حمله به شورش و کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری برخی در زمره دشمنان انقلاب اسلامی ایران و رژیم‌های وابسته به امپریالیسم وادار پاکستان و ترکیه جزء حامیان انقلاب ایران معرفی می‌کنند، حذر دارند این که نمایندگان بورژوازی لیبرال در حاکمیت آگاهانه چنین سیاستی را جای صیچ نیست. این که شخص آقای قطب‌زاده، آقا شامی یعنی ارباب پاکستان را بهترین متحد نقشه‌ها و نظریات سیاسی خود بداند جای صیچ نیست ولی این که وزارت خارجه انقلاب ایران، انقلابی که اردشیر زاهدی را بیرون انداخته است، به این اتحاد با ارباب‌مهره‌ها اردشیر زاهدی‌ها را اصطلاح اسلامی از قبیل مصر، پاکستان، عربستان سعودی امریکای آمریکا به خود بیاند، این جای صیچ است.

به نظر ما این پدیده دردناک محصول ارزیابی نادرستی است که در انقلاب اسلامی در میان روحانیت مبارز که در حاکمیت کنونی نقش تعیین کننده را دارد و در میان ستون پنجم خورده انقلاب دارد.

واقعیت این است که این «انقلاب اسلامی» کشورما که به رهبری امام خمینی و در چهارچوب آن اسلامی که امام خمینی معرفی است صورت گرفته است مسلمانان متمدن، دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر دارد و در میان نیروهای دیگر پشتیبانان فداکار و از خود گلسته. بخش مهمی از گذار امام خمینی «اشیبه» خردماده به همین دشمنان «مسلمان» انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی داشت. امام در این گذار روحانیون دوفیق و «مسلمانان» کبره پیشانی ناسلمان را افشا نمود و نشان داد که از ناحیه این حامیان دوفیق انقلاب ایران چه زبانه‌های جبران ناپذیری به انقلاب ایران وارد می‌آید و چگونه کردار و رفتار خود آب به آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزند.

درباره این دوستان دوفیق خیل وسیع و آگاه هوارادان راستین علمی قرار گرفته‌اند که دوستان واقعی انقلاب ایران هستند و از دست گزافه‌های ضد امپریالیستی و خلقی آن‌ها چنگ‌و‌بندان تهمذاری می‌کنند. دشمنی که با پرچم هوارادی از سوسیالیسم علمی مده‌ای از چوالتار و در اندامات ضد انقلابی شرکت می‌دهند، ولی نقش ایشان مانند نقش است که امام خمینی به آن‌ها اشاره کرده است، همان‌هایی که «کبت» گوشه کشور بوجود آورده و زیر پرچم اسلام انقلابی و اسلام و افکار فارتگری اجتماعی را پیاده می‌کنند.

هوارادان راستین سوسیالیسم علمی که اکنون ۶۰ سال است در پی مبارزه امپریالیسم و علیه فارت طبقات حاکمه وابسته علیه استبداد و برتری سالونیوم به این طرف علیه دسیسه‌های امپریالیسم و یگمان‌انگاران رژیم می‌جنگند از باوقارترین و مطمئن‌ترین نیروهای پاسدار انقلاب ایران هستند. گسترش آن‌ها می‌تواند، این نیروها را به خصایص نیروهای نیابورن ارزیابی نادرستی است. برپایه این ارزیابی نادرست که این طبقات طلبانه گسترش می‌یابد شکاف دوستان نیروهای حقین خود که پیروزی بود، انضادی که در برابر دسیسه‌های خطرناک دشمنان انقلاب بیشتر پی می‌کنند. نتیجه عملی این ارزیابی نادرست این است که می‌شود ضد انقلاب تروان و تروانتر.

یکی از پیامدهای این ارزیابی نادرست و واقعیت لشی است که آن هستیم: در ادارات دولتی سرسپردگان آریامهری و ساواکی‌های به نام «اسلام» عناصر واقفا انقلابی و هوارادان استوار انقلاب و جمهوری را «چپ» شکار می‌کنند و بهترین متخصصین ملاقند به پاسزاسی و توسل و اقتصاد را از کار برکنار می‌کنند و سلطه به برقیب خود و ارباب‌های لجاجت دولتی برقرار می‌سازند.

هوارادان راستین و آگاه انقلاب ایران امیدوارند و انتظار دارند که به سوزانات تجاری ارزنده و آموزنده ماه‌های اخیر و به ویژه تجربه و نطل از دسیاس خطرناک دشمنان خارجی و داخلی انقلاب موجب شود که این بخش‌های به سود تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی تجدید نظر بعمل آید.

### ۳- درباره هموار ساختن راه دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور

یکی از عمده‌ترین هدف‌های انقلاب ایران در هم شکست نظام طاقتوری و جانشین ساختن آن با نظامی عادلانه برپایه نابودی استبداد رژیم وابسته است. معنوی طبقاتی نظام اقتصادی دوران استبداد سلطنتی با این نظام داروخته‌اش بزرگترین فارت‌ها را می‌کرده‌اند. این فارت تنها یک جزیره اقتصادی طاقتوری بود. جزیره دگرویابه آن نظام فارت بی‌بندوبارکل سرمایه‌داران و بزرگ مالکی بود که با استفاده از رژیم احتقار سیاسی منکی به سوار و فارتی قرار آلیس، که هم ثروت‌های عظیم ملی و هم بخش عمده کارنده‌های ده، دهکده‌ها و زحمتکش شهر و روستا را چپاول می‌کردند و بخش عمده آن را به نفع سرمایه‌داری می‌یارید به بانک‌های کشور های امپریالیستی منتقل می‌کردند و بخش کوچکی را برای زندگی طاقتور و از خود برای ساختن قصرهای ۱۰۰ میلیون تومانی تبلیغات سیل می‌کردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متعدد شده است که این فارت فارتگرایی‌ها را در جهت قابل ستایشی است. ولی در عمل ما شاهدیم که کلاً فرت بخش‌های اقتصادی کشور را در این بی‌حد و حصر طاقتوران وارد دست گرفته، با نگاه مستکبران درآمد به شده می‌شوریم که همه کارهای کشور خوابیده‌ها می‌شوند که هیچ کار اساسی در کشور به سود محرومان جامعه انجام نگیرد. پدیده دردناک در کجاست؟ مسلم است که این ریشه وارد دوج اول امپریالیسم سرمایه‌داری بزرگ وابسته ایران جستجو کرد که با وجود ضربه‌های مترقی و پیکرش وارد شده هنوز ستگرهای مده‌ای وارد دست دارد. ولی چرا سرمایه‌داری و هواران انقلاب اسلامی همیشه ماهیت ضد سرمایه‌داری این انقلاب را با نیت می‌کنند، سرمایه‌داری بزرگ و وابسته تجاری ایران نتوانسته است در راه از انقلاب شریان‌های حیاتی زندگی اقتصادی ایران را مانند گلسته نگذارد و باغارت هست و نیست زحمتکش‌ان سودهای میلیاردری به بیبندوبار این که جناح بورژوا لیبرال حاکمیت کنونی، این وضع را نگذارد و نماینده صیچ‌آور نیست، این که دولت آقای بازرگان و وزیر بازرگانی ایران تقویت نمایند صیچ‌آور نیست. آن‌ها خلاف مقتضات خود و ذرها خود، کار را انجام نمی‌دهند، ولی از این که شورای انقلاب، طبق مرفم فشار اکثریت مردم و حضورهای مکرر امام، که در این باره تمام جندی پرنداشته است، به نظر مادمورد آن بخش از حاکمیت که احتمالاً هواراد محدود و دنیای ام فارتگری بی‌بند و بار سرمایه‌داری است، ولی در راه این محدود کردن نیست‌های انجام نمی‌دهد، عامل شناخت و ارزیابی نادرست و وجود و عمل طبقات سرمایه‌داری غارت‌گرا است. بسیاری از اعضاء حاکمیت کنونی هواراد و خواستار این امر آمریکا

ارزیابی اتحاد سوسیالیست





### اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

بقیه از صفحه ۱

دعوت کرد که در این پیکار مقدس فعالانه شرکت کنند. پیکار و نایب دانشگاهها که عوامل ضد انقلاب - از مواضع راست و چپ نمایانه - می‌کوشیدند محیط آموزشی را دستخوش آشوب و هرج و مرج ساخته و زمینه را برای تهاجم امپریالیسم فراهم آورده، سازمان ما نخستین سازمان دانشجویی بود که از آغاز پیکار به انضام مواضع صحیح و واقع‌بینانه دست یازید و صراحتاً بمنظور جلوگیری از هرج و مرج و تشنج و ناآرامی در دانشگاهها کلیه دفاتر خود در دانشگاهها را تعطیل اعلام کرد.

سازمان ما پیرای تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به مردم و جوانان قهرمان ایران از آنان خواست که:

«به ندای وحدت امام گوش فرا دهید» «دور مسلك یا هر گروهی» «هستید و از اختلاف و تفرق و کوشش برای یکدیگر» دست بردارید» «مده و از غیر مده» تشخیص دهید و به جای نزاع‌های شخصی و گروهی، همه پام در چپه متحد خلق ملیه امپریالیسم بسردرگی امپریالیسم آمریکا متحد شوید. اوتش ۲۰ مییونی را تغییر کنید و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند.» (اعلامیه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲)

پدنیال توطئه کودتای اخیر امپریالیسم ضد انقلاب داخلی، سازمان ما از همه اعضاء و هواداران و همه جوانان و دانشجویان مترقی خواست که: «باتمام نیرو بااستاد هماهنگی خشن‌سازی توطئه همکاري کنید و مقامات مسئول را دوام مقدس برهنگن ساختن توطئه‌گران یاری رسانید.» (اعلامیه مورخ ۱۳۵۹/۷/۲۴)

جای بسی تأسف است که برخی افراد نظیر آقای حادی غفاری که در سمت نمایندگی مجلس نیز قرار داده بجای ایجابی بر اقدامات چنین سازمانهایی که تداوم فعالیت ملتی آنها ضامن تکمیل اتحاد همه نیروهای خلقی دنیاد سرنوشته‌ستاز و در شرایط حساس کنونی است، می‌کوشد با اقدامات غیر مسئولانه و انحرافی و پلچ بدبینی، تشنج و دگرگونی دامن زدن و باافتخار فرمان حمله به دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و حزب توده ایران را صادر می‌کنند. (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۵۹/۷/۲۴)

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران صراحتاً اعلام می‌دارد در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی بسردرگی امپریالیسم آمریکا، بیاری همه متحدین داخلی و خارجی خویش گسسته‌ترین توطئه‌ها را علیه انقلاب ایران تداوم دیده است، دولت جمهوری اسلامی ایران باید تمام نیرو و توان خود را در جهت حفظ و تکمیل اتحاد همه نیروهای خلقی، ضد امپریالیسم و مومربه انقلاب منطوق دارد. تاریخ مسئولیت پس سنگینی به مده همه نیروهای انقلابی ایران نهاده است و چه بسا هر اشتباه و انحراف آنان هم‌مدف غیابت در تاریخ ثبت شود.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران صراحتاً اعلام می‌دارد که در این شرایط حساس، چنین اعمالی تنها و تنها بسود امپریالیسم ضد انقلاب است که تمام نیروی خود را در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و ناراضی در جامعه ایران بسیج کرده است.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران شدیداً اعتراض خویش را نسبت به این یورش و حشینه اعلام می‌دارد و علیه این اقدامات اعلام جرم می‌کند و از دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین امر می‌طلبد که نسبت به دستگیری و مجازات عوامل این یورش‌ها و هرج و مرج - که در نهایت بسود امپریالیسم ضد انقلاب است - اقدام نمایند و هرچه سریعتر نسبت به استرداد دفتر مرکزی این سازمان و اموال موجود، در آن عمل کرده و بدینسان شرایط را برای تداوم فعالیت‌های مردمی ما فراهم آورند.

### هموطنان عزیز، جوانان و دانشجویان انقلابی ایران!

در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز مین مهن عزیز ما که انقلاب در معرض خطر جدی توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و اعمال خارجی و داخلی آن قرار دارد، در جهت حفظ، تکمیل و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن را نباید آبی فراموش کرد. بکوشیم تا با تکمیل اتحاد خود دسیسه‌های امپریالیسم ضد انقلاب در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و دگرگونی را نقش بر آب سازیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران  
۱۳۵۹/۷/۲۴

### پدیده‌های بحرانی و مبارزات رختکشان در کشورهای سرمایه‌داری

کشورهای سرمایه‌داری غربی که بر اثر بحران‌های ملاح ناپذیر اقتصادی، مانند تورم، بیکاری یا کساد، و فقر روز افزون بوده‌ها خود را با مبارزه فزاینده و زحمتکشان و پیروز کارگران دریا روبه‌رو میکنند. بیخوابی، برای منصرف کردن مبارزه، رو به گسترش کلگوری به هرکاری از جمله دوغ و تحریف دست می‌زنند. نمونه این دوغ - پردازها، گزارش‌های چند هفته اخیر خبرگزاری‌های سزودور امپریالیستی و دیرباره باصطلاح اعصاب‌های کارگری در کشورهای سرمایه‌داری است چند هفته پیش خبرگزاری‌های غربی، که اکنون دیگر کوس سوانیشتان را بر سر هر پامی بسندا در می‌آورند، از قول «منابع نارضعی» اعلام کرده بودند که گویا در چند کارخانه اتومبیل سازی اتحاد شوروی و جمله کارخانه تویایا کارگران بر اثر کمبود مواد غذایی (اعصاب کرده‌اند.

اما چند روز بعد حتی مده‌ای از مقام‌های غربی ناچار شدند اعتراف کنند که گزارش‌های «منابع نارضعی» درست نبوده است. دولتهای امپریالیستی که در داخل با مبارزه فزاینده هرچه بیشتر رو برو هستند باصطلاح دست بردار نیستند و این بار از قول «منابع نارضعی» در لهستان کرده‌اند که در دو شهر این کشور اعصاب صورت گرفته است. هدف از بخش آیین ایطیل روشن است، امپریالیستها یکی از راههای مبارزه کردن مبارزه فزاینده کارکنان کشورهای خود را بخش گزاره‌های سراپا دوغ درباره کشور های سرمایه‌داری تشخیص داده‌اند چرا که کارگران کشورهای سرمایه‌داری در پس پرده دوغ دوما سال دوغ و تزویر اکنون بتدوین بر می‌زنند که کشورهای سرمایه‌داری، کشورهای که در آنها زحمتکشان قدرت را در دست دارند یا پدیده‌های حاشی جوی بیکاری، کساد، وضع رت‌انگیز بهداشت و آموزش و تروم بکلی بیگانه‌اند و سطح زندگی زحمتکشان پنا به آمارهائی که حتی مخالفان نیز نمی‌توانند آن را رد کند بطور منظم ببورد می‌یابد.

اما بودواری غرب با بخش اکاذیب دموورده باصطلاح اعصاب در شوروی و لهستان هدف معینی را تعقیب میکند! خواهد بود کارگران خود بگوید از مبارزه دست بردارند. بخوبی روشن است که این تبلیغات و دوغ‌های پوج هر چه بیشتر افشاء میشود، مبارزه فزاینده کارگران در کشورهای سرمایه‌داری که اعصاب یک میلیون وینمی چند روز پیش زحمتکشان ایتالیائی تازه‌ترین نمونه آن است نشان میدهد که زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری که در هر چه بیشتر بار فقر و تنگدستی را پرورش خود احساس کرده و در عین حال شاهد فریب شدن مشتی زالی صفت و انکل هستند تصمیم گرفته‌اند حقوق خود را بستان آورند و جامعه‌های پناکند که از پدیده‌های خود نظام سرمایه‌داری در آن اثری نباشد.

### قابل توجه رفقا و دوستان گزار شگر

تقاضا می‌کنیم برای تهیه عکس از محیط‌های روستائی حتی الامکان از حلقه‌های فیلم ۱۲ ثانیه استفاده کنند و یا همانند عکس‌های استفاده شده را در هر فیلم، ذکر کنند، تا بدین طریق خود فیلم که اغلب بیش از نیمی از آن مورد استفاده قرار نگرفته فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس پلمستیده که آسانتر است.

### ناوگان عظیم آمریکای پوزی توطئه کودتای ایران در خلیج فارس خواهد ماند

دویدار (هاری ترین) فرمانده ناوگان آمریکای قیونوس اطلس در مصاحبه با روزنامه «الخلیج» چاپ ابولبی گفت: «امریکا در نظر ندارد نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس به اقیانوس هند و خاور نزدیک فرخواند و حتی اگر نیروهای خودی از افغانستان خارج شوند نیروهای نظامی آمریکا در این مناطق باقی خواهد ماند.» این اظهارات ابعاد توطئه امپریالیسم آمریکا را برضد انقلاب ایران نشان داد و از چهره‌گرایی «دوستتاشی» که تمرکز توطئه‌تیز در دریای در تاریخ جهان را در برابر گرانهای مین ما بدلیل (۱) حضور ارتش شوروی در خاور افغانستان تیره می‌کند نقاب بر گرفت.

همه میدانستند که افزایش سریع و بیسابقه ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس واقیانوس هند بخاطر منافع امپریالیستی و نو استعماری ایالات متحده آمریکا و مدتها قبل از ورود ارتش شوروی بخاک افغانستان انجام گرفته بود و اینک دولت آمریکا از زبان یکی از سخنگویان نظامی خود اعلام میکند که نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه «جا خوش کرده‌اند» و بهیچ عنوان قصد ندارند منطقه را رها و رها کنند. ناوهای آمریکائی دوکرانه‌های خلیج فارس که چندین هزار کیلو متر دورتر ساحل آمریکاست چه مواد مخدر، صاحبان شرکتها و کاپارها و... چه واحدهای برضد انقلاب تشکیل داده‌اند، اینکه چرا پاکستان به ضد انقلابی افغانی که از «سیاه سرد» می‌ورند پایگاه میدهد چرا کارگر برای دیدار و کولنگ و ضیاءالحق به «ویاچی» می‌رود، چرا جلدان بستم‌هراق دو خلق برادر را بر روی هم واداشته‌اند همه حلقه‌های مختلف یک طرف این تضاد هستند، که پشتیبانی کشور های سرمایه‌داری و احزاب کمونیست سراسر جهان از انقلاب ایران، دفاع دولت شوروی از انقلاب افغانستان، اظهارات ۵۰۰ هزار نفری مردم پاکستان، مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم بستم‌هراق در داخل آن کشور، ملامت زلزله اجشامی در هرستان سعودی، حمایت کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین از انقلاب ایران در سوی دیگران تضاد قرار دارند. برای آنکه به استراتژی جهانی امپریالیسم شربه وارد آید باید که آگاهانه و فعالانه در طرف چپه را تشخیص داد.

کارگردانان امپریالیسم برای آنکه «ویا» به‌گرمی کم کنند و بیخنگان سیاست را فریب دهند می‌کوشند مرز بین دو طرف انقلاب و ضد انقلاب در جهان را منقله و در کشور، و آشفته سازند مثلا پاکستان را دوجرگه دوستان و لیبی را در صف دشمنان ایران جای دهند جهان را به‌دنیای «کفر» و دنیای «اسلام» تقسیم کنند که خود بخود به‌منای انفراد ایران از پشتیبانی نیرومند جهان سرمایه‌داری و بسیاری کشورهای غیر متعهد است نیز ایران امپریالیسم که خود این تقسیم را بعمل آورده و مارا ممل در محاصره می‌گیرد میکوشد مارا به انزوا بکشد.

تمرکز نیروی دریائی مظیم آمریکاد در خلیج فارس

### درباره چند ارزیابی نادرست و پیامدهای

بقیه از صفحه ۳

است، به‌جای دیگری متوجه سازد و به‌این ترتیب فشار روی امپریالیسم آمریکا کم کند و امکانات توطئه‌های ضد انقلابی امپریالیسم را بیشتر سازد. تصادفی نیست که کنفرانس اسلام‌آباد که آقای قطب‌زاده «ستاره» در آن بود، دوست در همان روزهای برگزاری شد که آخرین آزمایش‌های برای استفاده از نیروی آن کشور برای حمله به ایران قول و قرار گذاشته می‌شد.

دوم - به‌وخت کشف شدن مناسبات ایران با افغانستان به‌طور طبیعی در ایران و اتحاد شوروی بازتاب منفی خواهد گذاشت و می‌تواند که مناسبات را با پدیده‌های گوناگون به‌دشواری کشانیده از این راه‌درواچراقی تفهیم کارتر - پروینکی در زمینه اهمیت تیره کردن مناسبات ایران و شوروی بنویسد به‌دست آورد.

سوم - پاتیر به‌کردن مناسبات ایران با شوروی و افغانستان (در حد ایران) و باوضی که میان ایران و عراق موجود است راه‌برای احمای امنیتی امپریالیستی سنتو یعنی آمریکا - انگلستان - ترکیه - ایران - پاکستان کاتر چین هم تکمیل می‌شود. هموار سازد.

آیا مسافرت وزیر خارجه ایران به‌پرتغال برای «کارهای خصوصی» (در حد هوادار فنگ و بگراد و سفیر چین در نروژ و تماس‌های بسیار دوستانه ایشان) آنقدر کمینه مامور سیاسی آمریکا دوچار چوپوبه چنین نقشه‌ای نبوده است!

مسلما در جریان تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی و هوادارانش تاثر می‌گذارند. آنچه می‌توان بدون تردید گفت این است که بخشی از دل‌نویسی انقلابی ایران و به‌ویژه روحانیت مبارزی که مورد احترام ماست در این تیره شدن اشتباه بزرگی در ارزیابی است. مطابق این ارزیابی چنین تصور می‌شود که است در افغانستان حکومت حزب خلق را برانداخت و به‌جای آن حکومت اسلامی را مستقر ساخت. این اشتباه بزرگ مولود اطلاعات به کلی نادرست، دربار و اطلاعات افغانستان و نیروهای فعال در سیاست آن است. در عین حال این تصور نادرست وجود دارد که اگر نظام خلقی در افغانستان تثبیت گردد این امر به‌زیان انقلاب خواهد بود. واقعیت این است که اولاً برانداختن نظام کنونی در افغانستان هم آتای قطب‌زاده دست‌بشکر کشی بزند! امکان ناپذیر است و تنها این‌اند که ناتوان تر کردن و ضربه‌پذیر کردن بیش‌ازپیش انقلاب ایران خواهد انجامید. اگر هم چنین نقشه‌ای بتواند عملی شود آنچه به‌جای نظام کنونی خواهد آمد ظاهرش و اویسی‌ها و پالیزیان‌ها و بختیارهای افغانستان خواهد بود. پالیزیان دولت‌مردان ایران با موضگیری خود در مورد ویدادهای افغانستان ممل‌بربر نشسته و بازه‌ای نیز به‌بریدن این شاخ مشغولند.

به‌همین جهت ارزیابی اشتباه آمیز و به‌ری ضد امپریالیستی و خلقی در باره رویدادهای افغانستان و سیاست‌های غربی به‌این ارزیابی در پیش گرفته‌شد. در مراحل پیامدهای خطرناکی برای انقلاب ایران خواهد داشت.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی خود و با تکیه بر پیاده‌سازی که موضگیری روشن آن ممکن است برای مدتی خوشایند بسیاری از افراد و حاکمیت کنونی نباشد و از سوی دیگر از طرف دشمنان انقلاب ایران که سرسختان دشمنان حزب هائیز هستند به‌متوان به‌توان برای ایران فشار بیشتر به‌حزب می‌برده‌گیری فرادگیرنده و ولیملی و انقلابی خود می‌داند که دگرباره مسائل بسیار انقلاب شکوهمند می‌تواند آنچه را که دوست می‌داند با صراحت بیان کند. بگذار تاریخ آینده کشور ما خود قضاوت کند.



کارت عضویت یک «مبارزه» دیگر که در حین حمله به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدست آمده



یک افغانی «مبارزه» در حین حمله به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران «جوانان مسلمان جنوب» چه کسانی...

فرد کتار میهن‌ها نفر از مردم ایران و برادرانی جمهوری را داشته و برای فردا توطئه‌های از هم خبرناکتری را تدارک می‌بینند. اعمال کتار که در زیر نام «جوانان مسلمان جنوب» به‌دیرخانه حزب توده ایران هجوم می‌برند، تنها رستم‌زار تصف این توطئه‌ها می‌تود.

نامه مردم از گون مرکزی غرب توده ایران

هالنده امتیاز و مدیر مسئول منوچهر بیژادی

خپان ۱۶ آذرشاره ۶۸۵ تلفن: ۹۳۵۷۸۸-۹۳۳۳۵۹ شماره تلکس: 214081 TPI IR

MARDOM No. 290 23 July 1980

Price: West - Germany 0.80 DM. France 2 fr. Austria 6 Sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 330 L. USA 20 Cts. Sweden 1.50 S. rik

منتشر شد: مسائل آسیا و آفریقا (چاپ دوم)